

تبیین نقش هیدروپلیتیک بر سیاست خارجی افغانستان و ایران (۲۰۱۵ الی ۲۰۱۹)

ابوالفضل اخباری

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد اخباری^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی اصغر اسماعیل پورروشن

استادیار جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محسن رنجبر

دانشیار گروه جغرافیای ژئومورفولوژی، واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بتول باهک

استادیار گروه جغرافیای اقلیم‌شناسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۰

چکیده

همواره ارزش‌های جغرافیایی در یک کشور جزو منافع ملی تلقی می‌شوند و دولت‌ها به آسانی نمی‌توانند بر سر منافع ملی دست به معامله بزنند. علاوه بر این مسائل اختلافات آبی در سیاست خارجی کشورها در تقابل با یکدیگر نیز تأثیر گذار بوده است. در این راستا جمهوری اسلامی ایران نیز در طی دهه‌های گذشته اختلافات هیدروپلیتیکی گسترده‌ای نیز با همسایگان خود داشته است که از جمله مهم‌ترین این اختلافات، اختلافات این کشور با کشور افغانستان بر سر دو رود هیرمند و هریر رود بوده است. افزایش این اختلافات در طی سال‌های گذشته سبب کمبود آب و کاهش فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی و دامی در استان‌های شرقی ایران را به همراه داشته است. پژوهش حاضر نیز در این زمینه با روش توصیفی-تحلیلی و از نوع پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای به ارزیابی نقش هیدروپلیتیک بر سیاست خارجی افغانستان و ایران می‌پردازد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه کارشناسان و اساتید دانشگاه حوزه مربوطه تشکیل می‌دهند که حجم نمونه آن با توجه به تکنیک مورد استفاده در پژوهش حاضر (دلفی) تعداد ۳۵ نفر تخمین زده شد. نتایج تحقیق نشان داد که تغییر مسیر رودخانه‌ها، آلودگی منابع آب رودخانه‌ها، دست‌درازی به آب رودخانه‌ها و کنترل منابع آب بالادست کشور افغانستان بر علیه جمهوری اسلامی ایران، از جمله مهم‌ترین عوامل هیدروپلیتیکی تنش‌زا در روابط ایران و افغانستان است و همچنین اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان در ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل، تبعات سیاسی و اقتصادی را در روابط دو کشور ایران و افغانستان به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: هیدروپلیتیک، منافع ملی، سیاست خارجی، جمهوری افغانستان.

مقدمه

یکی از تهدیدات اساسی و چالش‌های پایدار قرن بیست و یکم که آینده زندگی بشر در این کره خاکی را به شدت مورد تهدید قرار داده است، کمبود منابع و ذخایر آب شایرین تجدیدشونده در جهان است؛ این امر در مورد کشورهای حوزه خلیج فارس که به شدت از فقر منابع آبی در مضیقه هستند، تجلی بیشتری می‌یابد (Sadeghi, 2016: 118). افزایش نیاز به آب در کشورهای جهان تنش‌های جدیدی بر سر مساله تصاحب منابع آب بوجود آورده است. رودخانه‌ها یکی از منابع دسترسی به آب تازه برای مصارف انسانی می‌باشند، تعداد زیادی از رودخانه‌های در فضای سرزمینی بیش از یک کشور جریان دارند که اختلاف‌های بین کشورهای حوضه این رودها برای استفاده از آب وجود دارد. در حال حاضر ۱۴۵۰ معاهده و پیمان مربوط به آب امضاء شده که ۳۰۰ مورد آن منحصر در مورد مدیریت منابع آب رودهای بین‌المللی است. (Savin, 2000: 772).

همکاری بین کشورها بر سر منابع آب به میزان زیادی با روابط سیاسی و اقتصادی و میزان اطمینان و اعتماد سیاسی طرفین به یکدیگر ارتباط دارد. زمانی که کشورهای حاشیه رودخانه دیدگاه‌های سیاسی مشترکی داشته باشند، یا روابط اقتصادی و تجاری گسترده‌ای با یکدیگر داشته باشند، این عامل امکان همکاری و در نهایت دستیابی به توافق بین آن‌ها را افزایش می‌دهد (Bes Kerner, 1993: 15). برعکس، زمانی که کشورهای حاشیه رود فاقد روابط سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای باشند و یا تاریخچه‌ای از خصومت بین آن‌ها وجود داشته باشد، این عوامل در نهایت منجر به عدم اعتماد سیاسی بین کشورهای حاشیه رود می‌گردد که احتمال همکاری را کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی کشورهای بخش‌های رود سعی میکنند از آب بعنوان یک اهرم سیاسی اقتصادی برای تحت فشار قرار دادن کشورهای بخش سفلی رود استفاده نمایند. تداوم همکاری بین کشورهای حاشیه رودخانه‌ها، نیازمند دستیابی به توافق تمام کشورهای حاشیه آن و تقسیم منصفانه آب بین آن‌هاست. همچنین باید با یک رویکرد جامع تمام جوانب در تقسیم و سهم بندی آب و یا استفاده‌های دیگر از منابع آب رودخانه در نظر گرفته شود. در غیر این صورت، دستیابی به توافق و امضاء قرار داد ممکن است در کوتاه مدت مشکل را برطرف کند، اما نمی‌تواند آنرا برای همیشه حل نماید و اینگونه توافقات ناپایدار خواهند بود. (Hafeznia et al., 2018: 4).

کشمکش و درگیری بر سر استفاده از منابع آب مشترک بین کشورها در آینده، با توجه به کاهش میزان سرانه آب و بدلیل افزایش تقاضا و آلوده شدن هرچه بیشتر منابع آب، افزایش خواهد یافت؛ اما در نهایت، همکاری بین کشورهای دارنده منابع آبی مشترک برای استفاده از آن، بهترین راه حل جهت دستیابی به سهم منصفانه از آب رودهای بین‌المللی، مدیریت صحیح منابع آب و جلوگیری از اتلاف آب و آلودگی آن و همچنین کمک به حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود که در برخی موارد، ممکن است کشورها مجبور به همکاری در این مورد شوند.

حاکمیت بر روی منابع آب یک مساله ژئوپلیتیکی است که به دشواری می‌تواند حل گردد (Braden and Shelley, 2005, 108). کشور ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در کمربند خشک و نیمه خشک جهان قرار دارد و میزان

بارندگی آن حدود ۲۴۰ میلیمتر است که کمتر از یک سوم متوسط جهانی است ولی تنها ۳۶ درصد بارش‌های سالانه را دریافت میکند و در حال حاضر متوسط سرانه آب کمتر از ۲۰۰۰ مترمکعب در سال است که در حال نزدیک شدن به آستانه بحران است. (Mokhtari Hashi, 2013: 39). با این وضعیت و همچنین با افزایش جمعیت، افزایش تقاضا در راستای اقدامات صنعتی و کشاورزی، افزایش سدها، افزایش تحریم‌های ظالمانه پسابرجام و به دنبال آن نیاز به افزایش خدمات و افزایش تقاضا برای بهداشت و احداث بیش از حد شهرهای جدید در کشور موجب افزایش مصرف آب در کشور شده است که این مساله خود شرایط بحران آب را برای کشور به وجود آورده است و از همین رو در راستای تأمین منابع آب کشور، جمهوری اسلامی ایران وارد تنش‌ها و بحران‌هایی بین‌المللی با همسایگان خود بر سر مسائل آب شده است. اصلی‌ترین رودخانه‌های بین‌المللی و مرزی ایران عبارت‌اند از: اترک، ارس، هیرمند و هریرود که با توجه به کمبود آب کشور در استان هاش شرقی و مرکزی نظیر سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و کرمان، این چنین به نظر می‌آید که نیاز کشور به دو رود هیرمند و هریرود بیشتر از سایر رودهای مرزی احساس می‌شود. در حال حاضر نیز حضور آمریکایی‌ها در افغانستان، این کشور را در موقعیت مناسب‌تری نسبت به ایران قرار داده است که می‌تواند در موضوع رودخانه‌های هریرود و هیرمند، مشکلاتی را برای ایران ایجاد نماید. بر این اساس حل بحران کم‌آبی در شرق، نیاز به دیپلماسی قوی و برقراری رابطه خوب با جامعه جهانی و دولت افغانستان با پشتوانه سازمان ملل است. ثبات در افغانستان و نابودی القاعده و دیگر گروه‌های آشوب‌گر و شورش‌ی را باید یک اولویت و ضرورت برای منافع ملی ایران دانست. سرمایه‌گذاری در افغانستان و کمک به توسعه و ثبات این کشور از دیگر استراتژی‌های ایران در افغانستان است. ایران از طریق این کمک‌ها و تحت استراتژی ژئوپلیتیک موازی اولاً از نفوذ لازم بر تصمیم‌گیری‌های دولت افغانستان برخوردار شود. ثالثاً اینکه به توافق با این کشور درباره مشکل تقسیم آب هیرمند دست یابد. از جمله ابزار دیپلماسی، برای همکاری‌های بهتر و بیشتر بین ایران و افغانستان توجه لازم به ویژگی محصور در خشکی بودن افغانستان و ویژگی گذرگاهی و کریدوری ایران برای این کشور را می‌توان نام برد که ایران می‌تواند با در اختیار قرار دادن تسهیلاتی برای ایجاد شرایط واردات و صادرات برای افغانستان از فضای جغرافیایی ایران و بنادر و سواحل جنوب، این تعامل و همکاری را افزایش دهد. در سال‌های اخیر افغانستان بر سر راه رودخانه هیرمند سدها و استخرهایی را احداث نموده که خود سبب کمبود آب رود هیرمند و در نتیجه خشکسالی در سیستان و بلوچستان ایران شده است که این اقدام افغان‌ها، مشکلات و بحران‌های متعددی از جمله کمبود منابع آب و کاهش کشاورزی و تعطیلی تعداد زیادی کارخانه در استان را به وجود آورده است و همواره افغانستان از رود هیرمند به عنوان اهرمی در فشار بر ایران به هنگام مذاکره‌های مختلف استفاده می‌نماید. رود پر مناقشه‌ی دیگر نیز رود هریرود است که در سال‌های گذشته دو کشور ایران و ترکمنستان بر اساس توافقی دو طرفه سد دوستی را در احداث نمودند که به موجب آن هر دو کشور به طور برابر و مساوی از امتیازات سد نظیر مصرف آب و انرژی استفاده نمایند ولی در چند سال اخیر افغانستان با حمایت آمریکا و عربستان سعودی دست کم دو سد را بر سر راه رود هریرود احداث نموده که در صورت اتمام کارهای اجرایی سد و بهره

برداری افغانستان از دو سد یاد شده، این سدها بر روی روان آب سد دوستی و کیفیت آب آن تأثیر منفی خواهد داشت و این امر خود می‌تواند بحران‌های منطقه را تشدید کرده و بر روابط دوجانبه دو کشور لطمه‌ای اساسی وارد نماید. در واقع سد دوستی از جمله اصلی‌ترین مسائل مهم هیدروپلیکی شرق کشور است که امروزه بخش عمده‌ای از آب آشامیدنی بسیاری از شهرهای خراسان رضوی از جمله مشهد و شهرهای خراسان جنوبی از این سد تأمین می‌گردد. با توجه به موقعیت جغرافیایی استراتژیک ایران و قرارگیری در حوضه‌های آبی مشترک با همسایگان شرقی و غربی از یک سو و افزایش نا آرامی‌های سیاسی در خاورمیانه، بحران تحریم‌های پسابرجام و جدی تر شدن منازعات داخلی و منطقه‌ای بر سر آب از سوی دیگر، به کارگیری تمام توان دیپلماسی کشور را بیش از پیش ضروری می‌نماید و در واقع ایران در تلاش است که با بهبود روابط بر همسایگان، بحران‌های خود را کاهش داده و به سوی روندی رو به توسعه گام بردارد. از جمله اقداماتی که ایران در سال‌های اخیر در راستای بهبود روابط با افغانستان انجام نموده، احداث منطقه آزاد چابهار و اختصاص آن به کشور هند در راستای حل بحران‌های اقتصادی افغانستان می‌باشد.

در حال حاضر اختلافات هیدروپلیتیک میان ایران و افغانستان نیز در حوزه سیاست‌های خارجی دو کشور تأثیر گذار بوده است و ممکن است این اختلافات، منافع ملی هر دو کشور را به خطر بیندازد و بحران‌هایی غیرقابل پیش بینی برای هر یک از آن‌ها به همراه داشته باشد.

با توجه به مطالب یاد شده حال پرسش‌های تحقیق شامل موارد زیر می‌باشد:

- مهمترین عوامل هیدروپلیتیک تنش‌ها در روابط ایران و افغانستان شامل چه مواردی است؟
- اقدامات هیدروپلیتیک افغانستان بر علیه جمهوری اسلامی ایران در ساختار توسعه نوین روابط بین الملل چه تبعاتی را به همراه خواهد داشت؟

روش انجام پژوهش یکی از عوامل عمده است که بر تحقیق و نتایج حاصله اثر می‌گذارد و غالباً به هدف پژوهش، ماهیت موضوع، امکانات اجرایی تحقیق و فرضیه‌های تدوین شده بستگی دارد. تحقیقات را بر اساس معیارها و مبناهای مختلفی دسته بندی می‌کنند. تحقیق حاضر را بر اساس هدف، مسیر، زمان، نحوه جمع آوری داده‌ها (از نظر اجرا) و از نظر میزان ژرفایی طبقه بندی می‌کنیم. این تحقیق از نظر هدف کاربردی-توسعه‌ای است و با توجه به تقسیم بندی بر حسب روش، از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است. در اجرای یک طرح تحقیق توصیفی، محقق متغیرها را دست کاری نمی‌کند و یا برای وقوع رویدادها شرایطی را به وجود نمی‌آورد.

جامعه آماری پژوهش حاضر از کلیه کارشناسان و صاحب نظران (حوزه روابط بین الملل، هیدرولوژی، هیدروپلیتیک و ژئوپلیتیک) و اساتید دانشگاه (رشته‌های جغرافیای سیاسی، روابط بین الملل، سازماندهی سیاسی فضا، ژئومورفولوژی و اقلیم شناسی) می‌باشند. در این مطالعه در جهت به دست آوردن حجم نمونه جامعه آماری کارشناسان و اساتید، بر اساس تکنیک دلفی، حجم نمونه تعداد ۳۵ نفر تخمین زده شده است. برای نمونه‌گیری جامعه آماری کارشناسان و اساتید از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است.

رویکرد نظری

هیدروپلیتیک ترکیبی متوازن از دو واژه آب و سیاست است و تأثیر و نقش آفرینی منابع آب بر روابط سیاسی کشورها را مطالعه قرار می‌دهد. افزایش تقاضا برای مصرف آب و مدیریت ضعیف منابع آب موجبات تنش بر سر استفاده از منابع آب هم در درون کشورها و هم در روابط بین کشورها فراهم کرده است. این موضوع در مورد رودخانه بین‌المللی کاملاً مشهود بوده و به چند شاخه تقسیم بندی می‌گردد (Turton, 2003). هیدروپلیتیک امروزه بیشتر در این مقیاس مورد توجه است و به سیاست‌های کشورها در رابطه با یکدیگر در خصوص توزیع، کنترل و کیفیت منابع آب مورد توجه قرار می‌دهد، این مسائل هم می‌تواند موجی تنش و هم می‌تواند موجب همگرایی میان کشورها گردد. برخی رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌ای را بیان تأثیر منابع آب در سیاست خارجی می‌دانند که چگونگی عملکرد سیاست خارجی یک کشور برای تأمین آب را تبیین می‌کند (Asgari, 2002: 497). یا به عبارت دیگر رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌ای، سیاست‌های بین کشورها درباره تخصیص، توزیع، کنترل و کیفیت منابع آب است که می‌تواند موجب تنش یا همگرایی بین آن‌ها شود. برخی رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌ای را میان ارتباط بین منابع آب و سیاست خارجی می‌دانند که چگونگی عملکرد سیاست خارجی یک کشور برای تأمین منابع آب را تبیین می‌کند. برای مطالعه رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌ای، منابع آبی ممتد در دو سوی مرز مورد بحث قرار می‌گیرد و عمده‌ترین اختلافات ناشی از منابع آبی مرزی درباره بهره‌برداری از منابع آب و مدیریت حوضه رودخانه‌ها پیش می‌آید؛ اما نکته قابل تأمل این است که استفاده از منابع آب مشترک به یک رویکرد واحد برای مدیریت منابع آب نیاز دارد. عمده‌ترین بحثی که در این سطح مطرح است، این است که آیا کشورها برای تقسیم آب رودخانه‌ها و استفاده از منابع آب مشترک جهت دستیابی به توسعه با یکدیگر به توافق می‌رسند یا توافقی بین آن‌ها حاصل نمی‌گردد و تأکید بر این نکته است که چگونه می‌توان از درگیری اجتناب کرد و در جهت همکاری با یکدیگر به توافق دست یافت و غالباً بحث، بیشتر مربوط به ابعاد حقیقی و استراتژیک مذاکره و میانجی‌گری است (Salehabadi, 2014, 351).

کمبود آب، شامل تنش آب، کم‌آبی و بحران آب است. مفهوم تنش آب نسبتاً جدید است. تنش آب مشکل در یافتن منابع آب شیرین برای استفاده است که علت آن تخلیه منابع است. بحران آب وضعیتی است که در آن آب قابل آشامیدن و غیر آلوده در یک منطقه کمتر از تقاضای آن است (Larsen, 2009)

هنگامی که به اندازه کافی آب آشامیدنی مورد نیاز وجود ندارد، خطر بحران آب حس می‌شود. با توجه به اینکه این مسئله یک نگرانی جهانی است، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های جهانی مناطق گوناگونی را، مناطق دچار بحران آب در نظر می‌گیرند. دیگر سازمان‌ها مانند سازمان غذا و کشاورزی، استدلال می‌کنند که هیچ بحران آبی در این مکان‌ها وجود ندارد، اما کی باید گامهایی برای جلوگیری از بروز چنین بحرانی برداشته شود. چندین نشانه اصلی برای بحران آب وجود دارد.

بیماری‌های ساری از راه آب و نبود آب بهداشتی لوله‌کشی یکی از علل عمده مرگ و میر در سراسر جهان هستند.

برای کودکان زیر پنج سال، بیماری‌های ساری از راه آب علت اصلی مرگ و میر است. در هر زمان، نیمی از تخت‌های بیمارستان در جهان توسط بیماران مبتلا به بیماری‌های ساری از راه آب اشغال شده‌است. به گفته بانک جهانی، ۸۸ درصد از تمام بیماری‌های ساری از راه آب توسط آب آشامیدنی ناسالم، نبود بهداشت و بهداشت نامناسب ایجاد می‌شود. آب توازن شکننده اساسی برای تأمین آب سالم است، اما عوامل قابل کنترل مانند مدیریت و توزیع منابع آب خود سهم بیشتری در کمبود آب دارند (Bozorgzadeh, 2018: 64).

برای سیاست خارجی تعاریف متعددی ارائه شده است. سیاست خارجی شامل تنظیم و اجرا و همچنین خود محصول و نتیجه تصمیمات به شمار می‌رود؛ که راهنمایی است برای اقداماتی که یک دولت در ورای مرزهای خویش به منظور پیشبرد اهداف در رابطه با بازیگران حکومتی و غیر حکومتی به عمل می‌آورد (Ghavam, 2007: 231). در تعریفی دیگر میتوان سیاست خارجی را جهتی که یک دولت برمیگزیند و در آن از خود تحرک نشان میدهد و نیز شیوه نگرش دولت نسبت به جامعه بین المللی، تعریف نمود (khoshvaqt, 1996: 145). سیاست خارجی هر کشور برآیندی از عوامل و فاکتورهایی از قبیل تصمیم گیرندگان، ساخت سیاسی بین الملل، قدرت اقتصادی، موقعیت ژئوپلیتیک، اوضاع اجتماعی آن کشور و در نهایت شرایط زمانی است.

اهداف سیاست خارجی هر کشور بر حسب ظرفیت‌ها و توان‌های داخلی در سه بخش کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت مورد توجه و ارزیابی نهایی تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد. در تعریف دیگر می‌توان سیاست خارجی را استراتژی یا یک سلسله اقدامات طراحی شده دانست که توسط سیاست‌گذاران یک کشور در مقابل سایر کشورها یا موجودیت‌های بین الملل جهت کسب اهداف خاص تعریف شده برحسب منافع ملی مشخص شده دانست. همچنین میتوان سیاست خارجی را راهبرد و رهپافتی دانست که توسط دولت ملی برای دستیابی به اهداف خود در روابط با موجودیت‌های خارجی انتخاب می‌شود که شامل تصمیم به عدم کنش نیز هست (Smith et al., 2012: 23). پیتر هاگت معتقد است عوامل جغرافیایی به همان اندازه که در تعیین روابط و سیاست خارجی کشورها نقش دارند، در ایجاد تنش و ناامنی نیز می‌توانند دخیل باشند، این موضوع به ویژه در پنجاه سال اخیر دچار دگرگونی عظیمی شده است. در این راستا پیتر هاگت جغرافیدانان برجسته انگلیسی مدلی را ارائه کرده که در آن منابع جغرافیایی تنش‌های بین المللی و منطقه‌ای را مطرح شده است. پیتر هاگت ۱۲ عامل را به عنوان منابع جغرافیایی ناامنی در مدل خود مطرح کرده است عبارت اند از:

- مشکل اول ناشی از محصور بودن کشور فرضی در خشکی و عدم دسترسی آن آب‌های آزاد است
- مشکل دوم اختلاف کشور فرضی با کشور همسایه در تعیین مکان خط مستقیم آب است که معمولاً این وضعیت در مناطق کوهستانی دیده می‌شود.
- مشکل سوم فرضی رود پرپیچ و خمی است که مرز سیاسی میان کشور فرضی رو کشور همسایه را تشکیل می‌دهد. این رودخانه گاهی مسیر خود را به کلی تغییر می‌دهد.
- مشکل چهارم کشور فرضی از نظر هاگت ناشی از مرز آبی است که تعیین خط مرزی در آن به ویژه در صورتی

- که رودخانه قابل کشتی رانی باشد.
- مشکل پنجم کشور فرضی ناشی از رودی است که کشور فرضی وارد خاک کشور همسایه می شود که مسئله تقسیم آب آن می تواند مشکل ساز باشد
- مشکل ششم کشور فرضی ناشی از وجود یک اقلیت قومی زبانی در کنار مرز کشور فرضی با کشور همسایه است. این اقلیت به اکثریت آن سوی مرز علاقه مند است
- مشکل هفتم کشور فرضی ناشی از وجود یک گروه قومی است که نیمی از آن در کشور فرضی و نیمی دیگر در کشور همسایه زندگی می کنند. این دو اقلیت تمایل به تشکیل یک دولت مستقل دارند.
- مشکل هشتم فرضی از نظر هاگت مربوط به عشایر کوچانده ای است که برای چرای دام هایشان از مراتع هر دو سوی مرز استفاده می کنند.
- مشکل نهم کشور فرضی ناشی از یک گروه اقلیت منسجم در داخل دولت فرضی است که خواهان استقلال است
- مشکل دهم کشور فرضی ناشی از وجود منع طبیعی دارای ارزش بین المللی و استراتژیک است که واقع شدن آن در کنار مرز می تواند تنش زا باشد.
- مشکل یازدهم کشور فرضی مربوط به یک منبع طبیعی مشترک میان کشور فرضی و همسایه آن نظیر یک میدان نفتی که بهره برداری یک جانبه از آن می تواند تنش زا باشد
- مشکل دوازدهم مربوط به وجود یک مراکز سیاسی و اقتصادی بسیار حیاتی در مرز شمالی کشور فرضی است و اهمیت آن حدی است که دولت فرضی برای حفظ امنیت آن بر یک منطقه نیم دایره ای، از خاک همسایه ادعای ارضی می کند (Haget, 2000: 370).
- از نظر بین المللی پتانسیل اختلاف و نزاع بر سر آب به این دلیل است که قانون بین المللی آب که ناظر بر بهره برداری آب است، بسیار ضعیف نوشته شده، ضد و نقیض بوده و ضمانت اجرا ندارد. بنابراین تعجب آور نیست که دعوا بر سر آب یک سابقه طولانی دارد و همانگونه که بعضی پیش بینی می کنند جنگ بر سر آب در قرن ۲۱ اجتناب ناپذیر است؛ اما در این رابطه هنوز به این پرسش پاسخ داده نشده که چرا احتمالاً جنگ های قرن ۲۱ بر سر آب است (Papli and Vosoughi, 2011: 27).
- با وجود پیچیدگی قضیه آب، آب های بین المللی در حوضه هایی که نسبتاً از نهاد ها و گروه های کاری مشترک و معتبر برخوردار بوده اند به صورت یک عامل اتحاد و همکاری بین کشور ها در آمده است. تجربه تاریخی نشان می دهد که منازعات بین المللی آب حتی بین کشور های متخاصم قابل حل و فصل است. برخی از کشور های متخاصم وقتی در مورد همکاری آب مذاکره نموده و به توافق رسیده اند با ایجاد نهاد های مشترک همکاری، دشمنی آن ها نیز به صلح منجر گردیده است (Papli and Vosoughi, 2011: 27)
- دومین نظریه عنوان شده برای بهره برداری از رود مشترک که به شدت مورد حمایت کشور های پایین دست قرار گرفت حق حاکمیت مطلق قلمرو عنوان گرفت. این نظریه کشور های حاشیه رود مشترک را محق می داند از آب

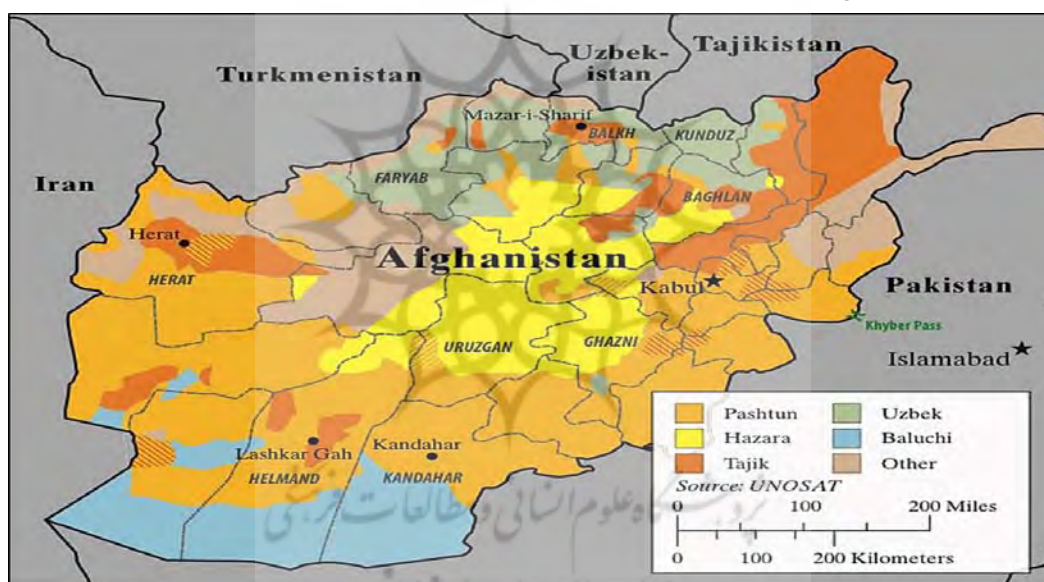
رود مشترک بهره برداری نمایند. ولی این بهره برداری نباید به قطع یا کاهش آب در کشور پایین دست منجر شود. هر کشور بهره بردار از رود مشترکی که از کشوری بالادست می‌آید و در آن کشور جاری است، حق ندارد جریان آب کشور ثالث و دیگر کشورهای حقیقه دار را کاهش دهد. این نظریه که بهره برداری هر کشور بالادست را محدود به عدم کاهش جریان آب به کشور پایین دست می‌داند، دقیقاً عکس فرضیه هارمون است (Parsa, 2012: 36). این نظریه اعلام می‌دارد هر کشور بهره بردار از رود مشترک حق استفاده از رود مشترک بین المللی را خواهد داشت، ولی بایستی بهره برداری طوری صورت گیرد که هیچگونه خسارت کمی یا کیفی به کشور دیگر نداشته باشد. این نظریه محدودیتی هم برای فرضیه هارمون و هم زیاده طلبی که مورد ادعای کشور پایین دست است، ایجاد می‌کند. این نظریه، بهره برداری "همسان و منطقی" را برای هر کشور حاشیه رود مشترک در نظر می‌گیرد (Parsa, 2012: 36).

این نظریه همکاری مشترک و تعاون کشور های حقیقه بر را در قالب یک نهاد قانونی خواستار می‌شود. فلسفه وجودی این نظریه این است که کل رودخانه در مسیر خود از داخل کشور ها باید به عنوان یک واحد اقتصادی تلقی شود و منافع آن بایستی بین کل کشور ها تقسیم شود. این اصل دنباله همان اصل ۳ است، ولی حق بهره برداری و استفاده از رود به همه کشور های حاشیه رود بر می‌گردد که از طریق تعاون و همکاری به حقوق خود نسبت به سهمی که دارند خواهند رسید. این اصل مورد قبول کلیه کشور ها نیست و تقسیم سود بین کشور ها مستلزم ایجاد یک تعاونی چند ملیتی است و برای رسیدن به نتیجه بایستی عهد نامه ها و قرارداد های حقوقی مورد قبول کلیه کشور ها تهیه و به تصویب همه برسد. این پروسه بسیار طولانی بوده و بعضی کشور ها را از بهره برداری در کوتاه مدت محروم می‌سازد. این اصل به رقابت پذیری کشور ها در برداشت هرچه بیشتر آب اعتقاد ندارد و توزیع آب را به صورت همسان و منطقی برای همه کشور ها در قالب قراردادهای موافقتنامه های چندگانه خواستار است (Parsa, 2012: 36).

منطقه مورد مطالعه

افغانستان در آسیای جنوبی و حد فاصل آسیای میانه، آسیای غربی و خاورمیانه و پایتخت آن کابل است. همسایگان افغانستان، ایران در غرب، پاکستان در جنوب و شرق، تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال شرقی هستند. افغانستان دارای ۶۵۲،۲۳۰ کیلومتر مربع مساحت چهل و یکمین کشور وسیع دنیا است و جمعیت آن در سال ۱۳۹۷ بیش از ۳۶ میلیون نفر بوده که آن را در رتبه سی و نهم کشورهای دنیا قرار می‌دهد. فارسی دری و پشتو زبان‌های رسمی این کشور و اسلام دین رسمی آن است. حدود چهار دهه جنگ، افغانستان را به یکی از کشورهای خطرناک و فقیر دنیا تبدیل کرده است (Yazdan Panah Daro et al., 2019). تولید ناخالص ملی سرانه این کشور در سال ۲۰۱۶ بر اساس ارزش اسمی دلار معادل ۶۰۰ دلار آمریکا است و بر اساس برابری قدرت خرید به ۱۹۹۴ دلار می‌رسد. این کشور در سال ۲۰۱۱ با شاخص توسعه انسانی ۰،۳۹۸ در رتبه ۱۷۲ دنیا قرار گرفته است. افغانستان در دوران باستان، از نقاط کانونی در جاده ابریشم و مسیرهای مهاجرت انسان‌ها بوده است.

باستان‌شناسان شواهدی از سکونت انسان‌ها تا بیش از ۵۰,۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به دست آورده‌اند. نخستین تمدن شهری ممکن است در این قلمرو در بین ۳۰,۰۰۰ تا ۲۰,۰۰۰ سال پیش از میلاد آغاز شده باشد (Eskandari Thani and Sadat Kahaki, 2019). این کشور در محل ژئواستراتژیکی مهمی قرار گرفته که آسیای شرقی، آسیای جنوبی، آسیای غربی و آسیای میانه را به هم وصل می‌کند. از روزگار باستان، این سرزمین شاهد فتوحات نظامی بسیاری از جمله توسط اسکندر، شاهنشاهی موریان، مسلمان عرب، چنگیزخان و دیگران بوده‌است. همچنین محل پایگیری امپراتوری‌های متعددی از جمله دولت یونانی بلخ، شاهنشاهی کوشان، ارغون شاهان، هپتالیان، ژنیل (یا ژنیل یا کابل‌شاهان)، سامانیان، صفاریان، غزنویان، غوریان، تیموریان و پادشاهی درانی بوده‌است. افغانستان کشوری محصور در خشکی و کوهستانی است که بین آسیای جنوبی و آسیای میانه در طول جغرافیایی ۶۰ تا ۷۵ درجه شرقی و عرض ۲۹ تا ۳۸ درجه شمالی قرار گرفته‌است. بلندترین نقطه کشور قله نوشاخ به بلندای ۷,۴۸۵ متر ارتفاع از سطح دریا در شمال شرقی کشور در مرز تاجیکستان است (Moradi Nia et al., 2019).



نقشه ۱: اقوام ساکن افغانستان /Source: <https://www.nybooks.com>

افغانستان از نظر جغرافیایی به سه منطقه متمایز از یکدیگر تقسیم می‌شود؛ دشت‌های شمالی کشور که ناحیه‌ای عمدتاً زراعی است. فلات جنوب غربی که بیشتر چشم‌اندازی بیابانی و نیمه‌خشک دارد و ارتفاعات مرکزی از جمله رشته‌کوه هندوکش که این دو را از هم جدا می‌کند. افغانستان اقلیم قاره‌ای مرطوب (تابستان گرم و زمستان سرد) دارد. زمستان‌های ارتفاعات مرکزی و شمال شرقی افغانستان بسیار سرد و خشن است (Eskandari Thani and Fallah, 2019). به طوری که میانگین دما در دی ماه به زیر ۱۵ درجه سلسیوس زیر صفر می‌رسد. از سوی دیگر مناطق کم‌ارتفاع جنوب غربی (حوضه سیستان)، منطقه جلال‌آباد در شرق و دشت‌های ترکستان در کنار رود آمودریا در شمال، تابستان‌هایی گرم دارند و میانگین دمای آن‌ها در تیرماه به بیش از ۳۵ درجه می‌رسد. کوهستان هندوکش در شمال شرق افغانستان منطقه‌ای فعال از نظر زمین‌شناختی است و بسیار زمین‌لرزه‌خیز است که گاهی به رانش زمین و ریزش بهمن (برف کوچک) نیز منجر می‌شود. در سال ۱۹۹۸ زلزله‌ای در این منطقه جان ۶ هزار نفر را گرفت.

چهار سال بعد ۱۵۰ نفر در زلزله دیگری در هندوکش کشته شدند و در سال ۲۰۱۰ زلزله دیگری جان ۱۱ افغان را گرفته و ۲ هزار خانه را تخریب کرد. در سال ۲۰۱۴ نیز رانش زمین در بدخشان چندین هزار کشته بر جای گذاشت (Daryabari et al., 2018). بیشتر رودخانه‌های مهم افغانستان از ارتفاعات مرکزی کشور سرچشمه گرفته و به دریاچه‌های کوچک داخلی ریخته یا در شنزارهای بیابانی فرو می‌روند. آمودریا، هیرمند، دریای کابل و هری‌رود مهم‌ترین حوضه‌های آبی کشور را تشکیل می‌دهند. آمودریا که ۲۵۴۰ کیلومتر طول دارد و از یخچال‌های پامیر سرچشمه می‌گیرد و حدود ۲۴۱ هزار کیلومتر مربع از خاک افغانستان را آبیاری می‌کند. حدود هزار کیلومتر از این رود مرز بین افغانستان و جمهوری‌های تاجیکستان و ازبکستان است. آمودریا از جایی که رود کوکچه در غرب شهر فیض‌آباد به آن می‌ریزد قابل کشتیرانی می‌شود (Foroughi Nemat Elahi et al., 2013).



نقشه ۲: موقعیت جهانی و منطقه‌ای افغانستان /Source: <https://www.maps.com>

رودهای ارغنداب و ترناک موازی با یکدیگر از شهر قندهار می‌گذرند. حوضه آبی شمال غرب کشور وابسته به هری‌رود است که از دامنه غربی کوه بابا سرچشمه می‌گیرد. این رود در مسیری غربی به سوی هرات آمده و زمین‌های بارور دره عریض هرات را آبیاری می‌کند و سپس به سمت شمال چرخیده و مرز ایران و افغانستان تبدیل می‌شود. سپس به خاک ترکمنستان وارد شده و در بیابان قره‌قوم ناپدید می‌شود (Jalali Nasab et al., 2015). رود هلمند یا هیرمند رودخانه اصلی جنوب غرب افغانستان است. شاخه اصلی هلمند هم از رشته‌کوه بابا در غرب کابل سرچشمه گرفته و ۱۱۵۰ کیلومتر طول دارد. رودهای متعددی در طول این مسیر به هلمند می‌پیوندند که ارغنداب مهم‌ترین آنهاست. هلمند ۲۵۹ هزار کیلومتر مربع از خاک افغانستان را آبیاری می‌کند و به دریاچه هامون و دیگر دریاچه‌های فصلی مرز ایران و افغانستان می‌ریزد. مهم‌ترین حوضه آبخیز شمال شرق این کشور به دریای کابل تعلق دارد که از رشته‌کوه بغمان به سوی شرق

می‌رود تا اینکه در پاکستان به رود ایندوس می‌پیوندد (Foroughi Nemat Elahi et al., 2013).

هامون صابری دریاچه آب شوری که فقط گاهی اوقات پرآب می‌شود در جنوب غرب افغانستان و ایستاده مقر دریاچه آب شور دیگری در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غزنی، دو دریاچه مهم افغانستان هستند. در کوه بابا هم پنج دریاچه کوچک وجود دارد که به دریاچه‌های امیر شهرت دارند و به جهت رنگ‌های عجیبشان شهرت دارند. رنگ آن‌ها از سفید شیری تا سبز تیره متغیر است و این به دلیل سنگ‌های بستر این دریاچه‌هاست (Daryabari et al., 2018). از منابع طبیعی کشور می‌توان به گاز طبیعی، نفت خام، زغال‌سنگ، مس، کرومیت، پتاس (نوعی کانی شفاف به رنگ‌های سفید و سبز و خاکستری)، سولفات باریوم، گوگرد، سرب، روی، آهن، نمک و سنگ‌های قیمتی، اورانیوم و دیگر کانی‌ها اشاره کرد. ارزش مجموعی معادن زیرزمینی افغانستان سه هزار میلیارد دلار است. دولت برای جذب سرمایه‌گذاران در این زمینه، تلاش می‌کند. قطع درختان جنگلی توسط قاچاقچیان و انتقال چوب این درختان به کشورهای همسایه و عمدتاً پاکستان باعث نابودی بیش از ۷۰ درصد جنگل‌های این کشور تا سال ۲۰۰۹ شد (Eskandari Thani and Fallah, 2019).

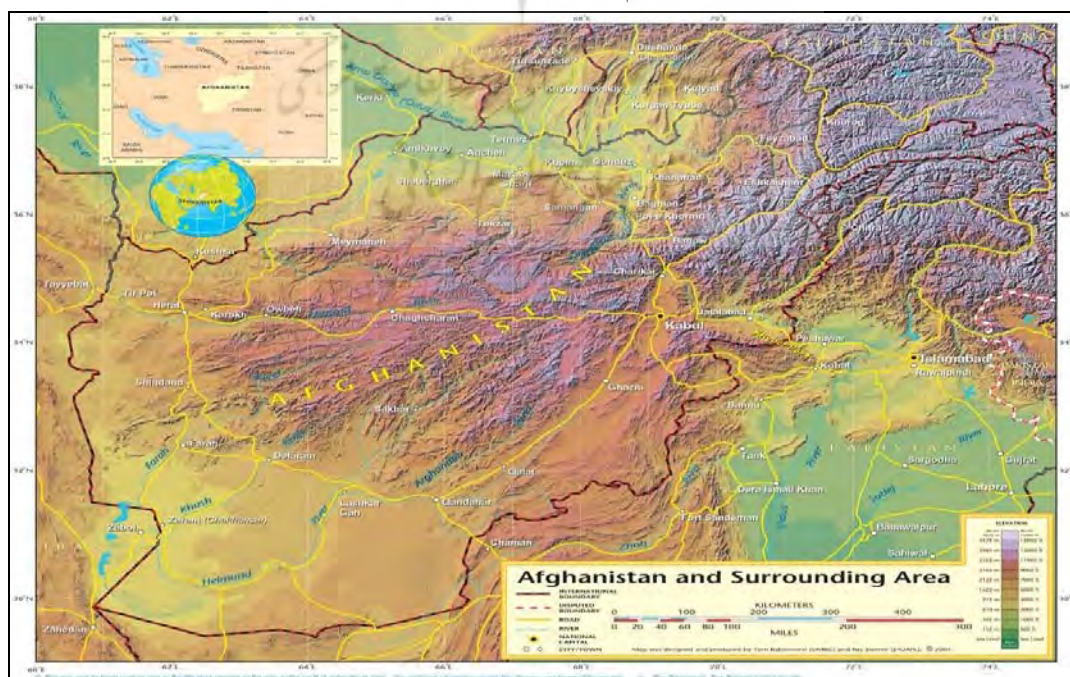
شاید مهم‌ترین مشکل زیست‌محیطی افغانستان خطر نابودی جانورانی مانند پلنگ برفی، بزهای کوهی، سمور، آهو، قوچ و دیگر حیوانات باشد. بیشتر این حیوانات برای استفاده از پوست‌شان، کشته می‌شوند. از شاخص‌ترین محدودیت‌های زیست‌محیطی این کشور می‌توان به محدودیت در دسترسی به منابع آب (مصرف کشاورزی و آشامیدنی)، چرای بیش از حد دام، آلودگی هوا و آب، عدم دسترسی به آب‌های آزاد و... اشاره کرد. افغانستان دارای ۳۴ ولایت (استان) و حدود چهارصد ولسوالی (شهرستان) است. هر ولایت توسط یک والی اداره می‌شود که رئیس‌جمهور، وی را به این مقام منصوب می‌کند و هر ولسوالی به دست یک ولسوال که از سوی والی منصوب می‌شود. در هر ولایت یک شورای ولایتی وجود دارد که اعضای آن در انتخابات عمومی انتخاب می‌شوند. نقش شوراهای ولایتی مشارکت در برنامه‌ریزی‌های توسعه ولایت و نظارت و ارزیابی عملکرد نهادهای دولتی ولایت است (Moradi Nia et al., 2019).

در سال ۲۰۱۲ جمعیت افغانستان ۳۱ میلیون و ۱۰۸ هزار نفر برآورد شده که این رقم شامل حدود ۲۰۷ میلیون مهاجر افغان مقیم ایران و پاکستان هم می‌شود. جمعیت افغانستان در سال ۱۹۷۹ سال آغاز جنگ داخلی ۱۵۰۵ میلیون نفر یعنی نصف این تعداد بود. تنها شهر میلیونی افغانستان پایتخت آن کابل است که بر اساس برآورد سال ۲۰۱۰ بیش از ۳ میلیون و ۷۱ هزار نفر جمعیت داشته است (Eskandari Thani and Sadat Kahaki, 2019). پس از کابل هم قندهار، هرات، مزار شریف، جلال‌آباد، لشکرگاه، تالقان، خوست، شبرغان و غزنی به ترتیب پرجمعیت‌ترین شهرهای افغانستان هستند. ۲۳،۰۵ درصد جمعیت افغانستان در سال ۲۰۱۱ شهرنشین بوده‌اند و رشد شهرنشینی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ حدود ۴،۰۴ درصد در سال برآورده شده است. افغانستان به طور کلی از چهار قوم بزرگ پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک و دیگر اقلیت‌های قومی تشکیل شده است. افغانستان کشوری کثیرالمله است که قومیت‌های مختلفی در آن بودوباش دارند و به زبان‌های متعددی تکلم می‌کنند. با توجه به اینکه هیچگاه سرشماری در مورد قومیت و زبان مردم افغانستان انجام نشده آمار دقیقی در این مورد وجود ندارد (Yazdan Panah Daro et al., 2019).

بنیاد آسیا نیز از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ نظرسنجی‌هایی را در مورد قومیت مردم افغانستان انجام داده که به نتایج تقریباً مشابه با این آمار رسیده است. در دوره‌های مختلف این نظرسنجی تعداد پشتوها بین ۴۰ تا ۴۲ درصد، تاجیک‌ها ۳۱ تا ۳۷ درصد، هزاره‌ها ۹،۲ تا ۱۱ درصد، ازبک‌ها ۸ تا ۹،۲ درصد، ترکمن‌ها ۱،۷ تا ۳ درصد، ایماق‌ها، ۰،۱ تا ۲ درصد،

بلوچ‌ها ۰.۵ تا ۱ درصد و بقیه (پشه‌ای‌ها، نورستانی، عرب‌تبار و ...) ۱.۴ تا ۵ درصد بوده است. اسلام (دین رسمی) کشور افغانستان است. ۸۲ درصد مسلمان سنی، ۱۷ درصد مسلمان شیعه و کمتر از ۱ درصد پیرو دیگر ادیان هستند (اسکندری ثانی و سادات کهکی، ۱۳۹۸). تا دهه ۱۸۹۰، ولایت نورستان به با نام کافرستان (سرزمین کافر) شناخته می‌شد. نورستانی‌ها که ویژگی‌های نژادی منحصربه‌فردی دارند تا آن هنگام به باورهای روح‌باوری، چندخدایی و شمن‌باوری پایبندی داشتند. پس از اشغال این منطقه توسط دولت افغانستان، تمام اهالی آن به اسلام گرویدند و نام این سرزمین به نورستان تغییر پیدا کرد (Moradi Nia et al., 2019). افغانستان از معدود کشورهایی اسلامی است که به طور تاریخی، موارد درگیری‌های مذهبی در آن بسیار نادر است. مذاهب دیگری چون هندوئیسم و سیک نیز در افغانستان، پیروانی دارند. پیش از جنگ‌های ۳۰ سال گذشته، اقلیتی یهودی نیز در افغانستان و به ویژه شهر هرات وجود داشتند که امروزه تمامی آنان به اسرائیل رفته‌اند. به طوری که اکنون تنها یک نفر از آن‌ها به نام زابلون سیمیتوف در کابل باقی مانده است. همچنین بین ۱۰،۰۰۰ تا ۲۰،۰۰۰ نفر از پیروان مسیحیت در این کشور زندگی می‌کنند (Eskandari, Thani and Fallah, 2019).

به سبب ارتباطات ریشه‌دار فرهنگی، ایران نقش مهمی در سیاست خارجی افغانستان دارد، علاوه بر این ایران یکی از بزرگ‌ترین طرف‌های تجاری افغانستان است. پس از سرنگونی طالبان و روی کار آمدن نظام سیاسی جدید در افغانستان روابط تجاری افغانستان و ایران افزایش چشمگیری داشته است. البته این روابط تاکنون بیشتر صادرات ایران به افغانستان بوده است. ایران و افغانستان در زمینه مبارزه با مواد مخدر و بازسازی شبکه حمل و نقل افغانستان همکاری دارند. افغانستان و ایران در سال‌های اخیر که مشکل کمبود باران وجود دارد بر سر تقسیم آب رودخانه هیرمند در منطقه سیستان اختلاف نظر دارند. اگرچه هر دو بر توافقنامه امضا شده توسط امیرعباس هویدا و محمد موسی شفیق (نخست‌وزیرهای وقت هر دو کشور) در مورد تقسیم حق آب هیرمند تأکید دارند (Daryabari et al., 2018).



نقشه ۳: نقشه ماهواره‌ای افغانستان و مرز این کشور با ایران Source: <http://maps.of.net>

یافته‌ها

۱. حوزه‌های آبی افغانستان

طبق پیشنهاد وزارت انرژی و آب و سایر مراجع ذی‌ربط افغانستان به پنج حوزه رود تبدیل گردید که عبارت‌اند از: ۱-حوزه آمو ۲-حوزه شمال ۳-حوزه مرغاب و هریرود ۴-حوزه هلمند ۵-حوزه رود کابل می‌باشد (Heidarzadeh, 2015). این پیشنهاد توسط رئیس‌جمهور افغانستان شش وزیران و رئیس اداره محیط زیست منظور گردید. یک تعداد از سازمان‌ها و بانک‌هایی که در حصار اعمار و احیا پنج حوزه آبی همکاری نموده‌اند از قبیل بانک جهانی مبلغ ۷۵ میلیون دلار در تمام پنج حوزه. بانک آسیایی اداره^۱ مبلغ ۱۵ میلیون دلار غرض احیا و ترمیم رود شمال. اداره (JFPR) چپان مبلغ ۱۰ میلیون دلار را غرض احیا رود بلخ. اتحادیه اروپا مبلغ ۱۵ میلیون دلار غرض اعمار پروژه بالای رودکنز کشور کانادا و دویی (ADB) مبلغ ۹۰ میلیون دلار غرض احیا و اعمار در رود مرغاب و هریرود. اداره (EC) در بخش رود آمو کمک نموده‌اند که ملت افغان این‌ها اظهار سپاس فراوان و قدردانی می‌نماید. پنج حوزه آبی افغانستان با حوزه‌های آبریز آن در جدول زیر مشاهده می‌شود.

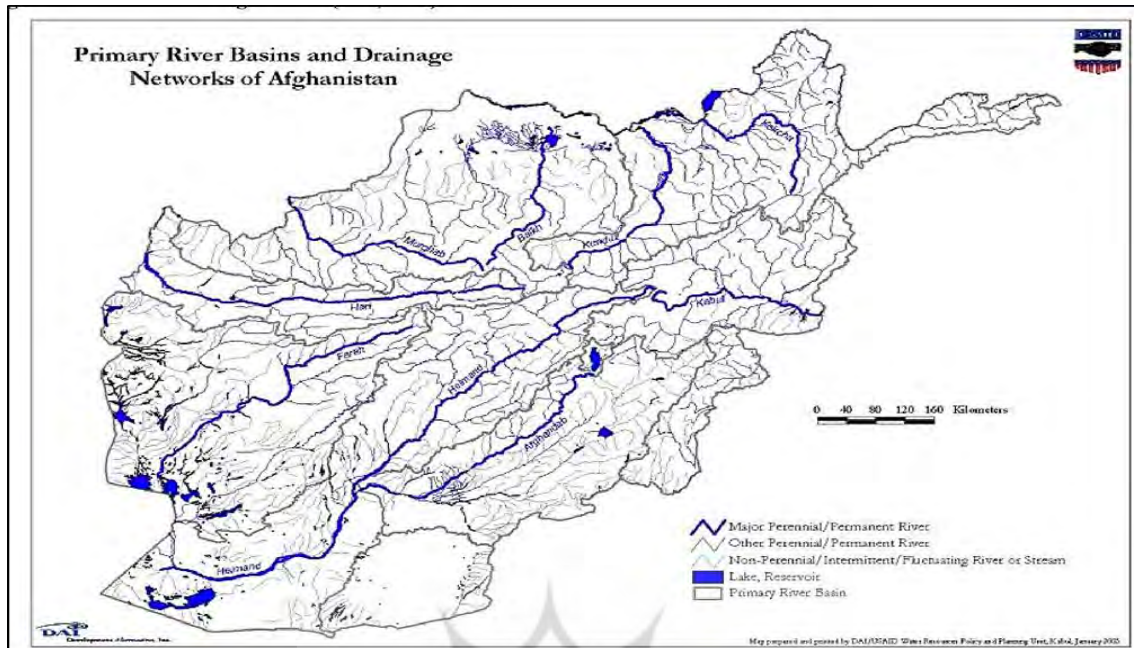
جدول ۲: پنج حوزه آبی افغانستان

نام رود	رودها و رودخانه‌های حوزه آبی	اراضی تحت پوشش به کیلومتر مربع	ظرفیت رودها به بلیون متر می‌ریزد	کشوری که
رود آمو	واخان، کوچه، قندز، پامیر، پنج مرغاب، آق سو، وحش، کافرنهان	۹۱،۵	۲۲	ازبکستان ترکمنستان
رودهای شمال	شیرین، نگاب، سر پلریال بلخ، قیصار	۷۱،۷	۱،۸۸	
رود هلمند	هلمند، ارغنداب، غزنی، ترنک، ارغستان، موسی قلعه	۲۶۴۹	۹،۳۰	ایران
رودهای شمال غربی	خاش رود ادرسکن، فراه رود، هریرود، مرغاب، کشک گلران و غیره	۷۸،۴	۳،۰۶	ایران و ترکمنستان
رود کابل	میدان، کابل، شتل، لوگر، غوربند، پنجشیر، علی شنگ، علی نگار، لقمان جلال آباد	۷۷،۷	۲۰،۷۶	پاکستان
مجموع	بیشتر از ۳۳ رودخانه بزرگ	۲۹۶۷،۳	۵۷	

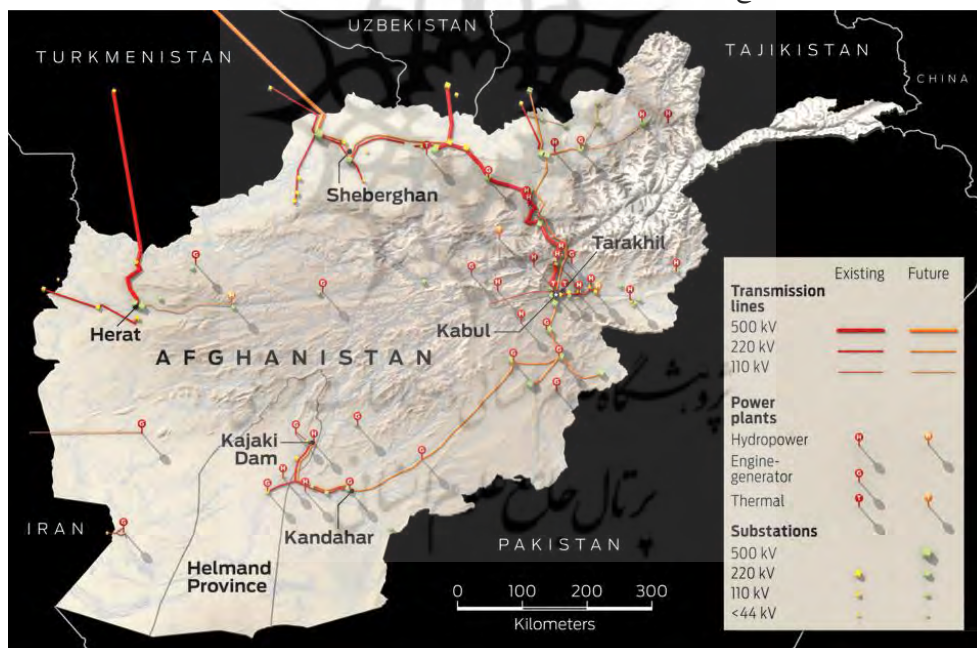
Source: Research Findings, 2019

افغانستان از ۷۵ میلیارد متر مکعب آب خود صرف ۲۰ میلیارد متر مکعب آن را استفاده می‌نماید. علت فقر در همین است که نتوانسته است اراضی زمین‌های زراعتی خویشی را توسعه دهد و از انرژی این آب‌ها استفاده نماید. در مصوبه برنامه‌های روی دست گرفته شده است تا افغانستان بتواند ظرفیت استفاده از آب‌های سرزمینی خود را ارتقا دهد. دو رود افغانستان کابل و آمودریا که آمو دارای ظرفیت ۲۲ بلیون مترمکعب تا آب این رود در تحت پژوهش‌ها گرفته شده است و از کابل در تحت پروژه‌ها می‌باشد که بعضی از آن‌ها به اتمام رسیده و بعضی دیگر آن کار بالای آن پروژه‌ها ادامه دارد تا بتواند افغانستان از فقر نجات دهد. سطح استفاده از آب رود آمو ناچیز می‌باشد تولید انرژی برق توسط آب و استفاده از انرژی برق آبی ک فاقد دود و گازات زهری می‌باشد نعمت است که ارزان به دست می‌آید. افغانستان که دارای ۳۵ رودخانه بزرگ صدها رود کوچک و هزاران جوی و کوه‌های پر برف دارد.

^۱ . JFPR



نقشه ۱: موقعیت منابع آبی کشور افغانستان Source: <http://easterniran.com/en/doc/report/835>



نقشه ۲: موقعیت سد‌ها در شبکه رودهای اصلی و حوضه‌های آبریز افغانستان Source: <http://easterniran.com/en/doc/report/835>

۲. روابط ایران و افغانستان بر پایه هیدروپلیتیک

۱،۲. هیدروپلیتیک هیرمند

رودخانه هیرمند از نظر آبیاری منطقه سیستان، دلتا و اطراف رود و همچنین تغییر مسیر و انحراف آن و بخشی از مرز مشترک ایران و افغانستان از اهمیت بسزایی برخوردار است و هیدرولوژی هیرمند را باید در قالب جغرافیای افغانستان مطالعه کرد. رود هیرمند و شعب اصلی آن از کوه بابا در شمال باختری کابل و کوه‌های مرکزی افغانستان (هندوکش سرچشمه گرفته و از به هم پیوستن دو شاخه اصلی به نام غنداب و کچلی در محلی به نام قلعه بست)

تشکیل می‌شود. مساحت حوضه آبرگیر آن در حدود ۵۰ هزار مایل مربع است. این رودخانه قبل از اینکه به جلگه باز در اراضی کوهستانی نزدیک گرشک برسد در جهت جنوبی غربی جریان دارد ولی بعد از گرش به اراضی پستی که طول آن در امتداد رودخانه و بین دو مجرای وسیع واقع است وارد می‌شود و به شکل قوسی، جنوب غربی افغانستان را تا بند کمال حان طی می‌کند، در این نقطه به سمت شمال پیچیده، سپس در حدود ۴۰ مایلی شمال در نقطه‌ای به نام کوهک در مرز ایران (بند سپستان) به دو رشته اصلی تقسیم می‌شود که یکی به سمت شمال و دیگری به سمت شمال غربی جریان دارد و آب آن‌ها به دریاچه‌های معروف به هامون می‌ریزد. سرشاخه‌های رود هلمند عبارت‌اند از:

۱- کاری رود

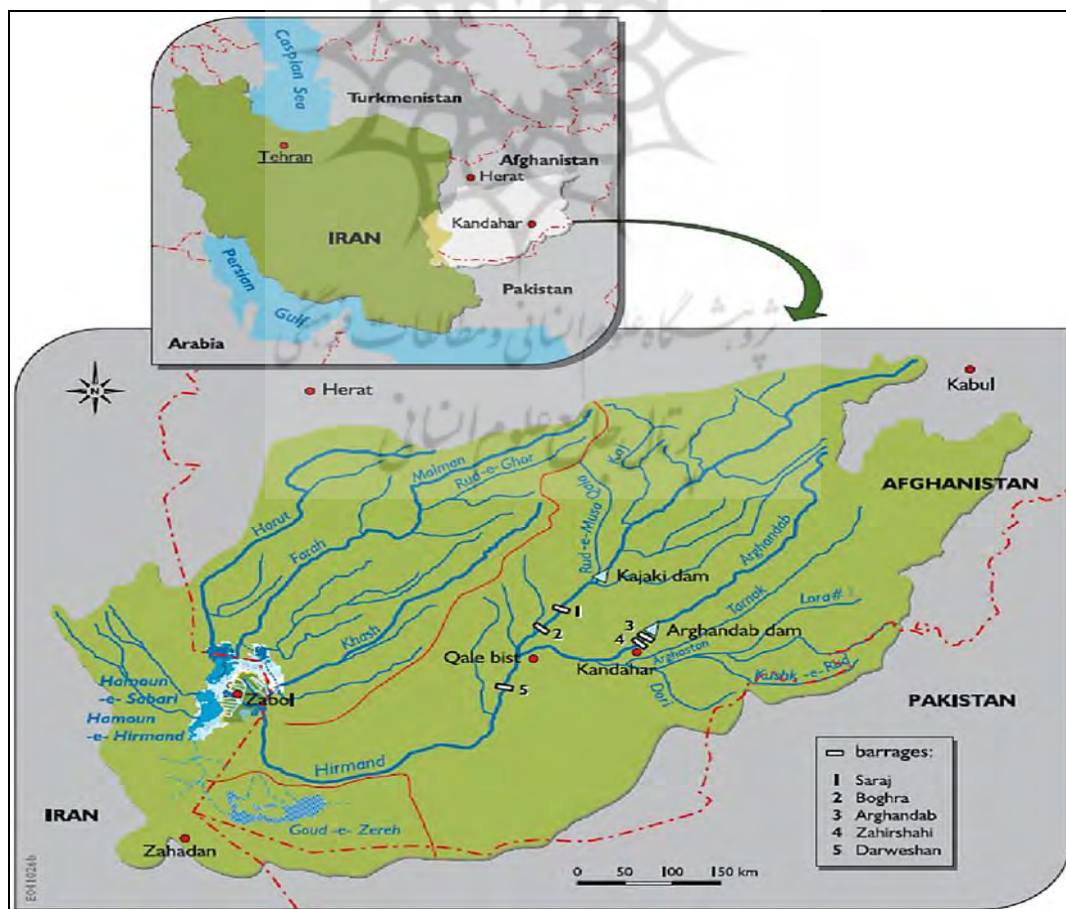
۲- رود موسی قلعه

۳- رود ارغنداب

۴- رود ترنک

۵- رود ارغستان

علاوه بر رود هیرمند و سرشاخه‌های آن، روش‌های دیگری به حوضه هیرمند جریان دارند که هر کدام از آن‌ها اهمیت جغرافیایی جداگانه‌ای دارند. این رودها عبارت‌اند از: خاش رود- فراه رود ادرسکن با هاروت (Bai, 2015: 110).



نقشه ۳. موقعیت رودخانه هیرمند در کشور افغانستان و ایران.

Source: <https://www.researchgate.net/figure/Hiranandtrans-boundary-river-basin>

شاید مهم‌ترین علت قطع آب هیرمند در گذشته دیدگاه رهبران سیاسی افغانستان در مورد فرض دادن رودخانه بین المللی هیرمند است. بر این اساس مقامات افغانی هر گونه استفاده از آب هیرمند را حق انحصاری خود می‌دانند و عملاً به حقوق مردم بخش پایین رود که زندگی‌شان از گذشته‌های دور تنها در صورت رسیدن آب هیرمند ادامه پیدا می‌کرده است. بی‌توجهی می‌کنند (Mojtahedzadeh, 1999, 238). این در حالی است که بر اساس موافقت‌های شناسایی رودخانه‌ها، رودهایی که از سرزمین دو با چند کشور بگیرند و با رودهایی که برای دو یا چند ملت دارای اثر اقتصادی باشند، رودخانه‌های بین‌المللی محسوب می‌شوند، از آن جا که رود هیرمند دارای شرایط یاد شده است؛ بنابراین هیچ یک از دو کشور نمی‌توانند ادعای حق انحصاری در بخش‌های این روش را داشته باشند.

۲.۲. هیدروپلیتیک هریرود

مرزهای خراسان که بخش شمال شرقی مرزهای ایران را تشکیل می‌دهد. در مجموع ۸۱۹ کیلومتر امتداد دارد که از دهانه ذوالفقار در شمال آغاز شده و به کوه ملک سیاه در جنوب منتهی می‌شود. کار تحدید حدود بخش اصلی این خط مرزی پس از پایان کار کمیسیون حکمیت گلداسمیت تمام شد. از جمله سد‌هایی که توسط دولت افغانستان بر روی رود هریرود احداث شده است می‌توان به دو سد دوستی و سلما اشاره نمود.

سد دوستی در نقطه صفر مرزی بین ایران و ترکمنستان قرار دارد. اهداف مورد نظر از ایجاد این سد عبارت‌اند از:

- ۱- ذخیره‌سازی و تنظیم آب رودخانه فصلی هریرود و تبدیل آب تخمیر دائمی به جریان تنظیم شده به منظور استفاده از آن در طول سال به میزان ۸۲۰ میلیون مترمکعب
 - ۲- تأمین بخشی از آب شرب مشهد به میزان ۱۵۰ میلیون متر مکعب در سال از ۴۱۰ میلیون متر مکعب سهم ایران
 - ۳- تثبیت مرز مشترک ایران و ترکمنستان
 - ۴- تأمین آب کشاورزی دشت سرخس در ایران و ترکمنستان هر کدام به میزان ۲۵۰۰۰ هکتار (Ezzati et al., 2011, 100).
- در مورد سد دوستی باید به چند نکته اشاره کرد:

- ۱- نگاه مثبت به این سد می‌تواند ضمن تأمین آب کشاورزی و شرب مشهد به عنوان نمونه‌ای از روابط خوب و مناسب دو کشور ایران و ترکمنستان قلمداد شود؛ و روابط حسن هم‌جواری و همکاری متقابل را بهبود بخشد
- ۲- سرچشمه هریرود افغانستان است و وابسته شدن شهرهای پایین‌دست این سد به آب هریرود باعث می‌شود که افغانستان از آن به عنوان اهرم فشار بر ایران و ترکمنستان استفاده کند و این دو کشور به افغانستان بیشتر وابسته شوند سد دیگری که در مرز مشترک دو کشور با هریرود ایجاد شده سد سلما است که در ۱۵ خرداد ماه ۱۳۹۵ دوش (۲۰۱۵ م) توسط نخست وزیر هند و اشرف غنی بر روی هریرود که در نزدیکی شهر هرات است افتتاح شد. این سد از لحاظ صنعت، کشاورزی و آبیاری برای افغانستان بسیار پر اهمیت است. ساخت این سد که در افغانستان به پروژه بند سلما معروف است بزرگ‌ترین برنامه زیربنایی تاریخ افغانستان است که در زمان حکومت داوود خان اولین رئیس‌جمهور افغانستان طرح‌ریزی شد. کار مقدماتی آن در همان زمان آغاز و ساخت آن تا ۲۵ درصد تکمیل شد، اما وقوع جنگ‌های خونین در این کشور باعث توقف این پروژه شد تا اینکه بعد از سقوط طالبان، مجدداً در ۲۵

حوت سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ م) بنگ بنای ساخت آن گذاشته شد.



نقشه ۴. موقعیت جغرافیایی رود هریرود در مرز ایران و افغانستان، 2019. Source: Research Findings, 2019

۳.۲. پیامدهای ژئوپلیتیکی-امنیتی تغییر بستر هریرود

از آن جا که سرچشمه آب‌های هریرود در خاک افغانستان واقع گردیده و مخزن آب سد دوستی در پل خاتون از طریق همین رودخانه تأمین می‌شود. از طرفی تغییرات دینامیکی هریرود از محل پلی خاتون تا سرخس بیشتر به طرف ایرانی صورت گرفته است، یکسری حالت‌های جدید در این محدوده مرزی به وجود آمده که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- به خطر افتادن جاده مرزی و راه‌های مواصلاتی؛ به طوری که رودخانه هریرود در طی طغیان‌های مرحله‌ای خود تاکنون چندین بار و در قسمت‌های مختلف از مسیر باعث آسیب‌دیدگی و تخریب جاده مرزی گردیده است و در نتیجه راه ارتباطی کاملاً قطع شده است.
- آب بردگی میله‌ها و شاخص‌های مرزی یکی از چالش‌های امنیتی و درعین‌حال ژئوپلیتیکی این محدوده مرزی، تخریب و از بین رفتن میله‌های مرزی به‌عنوان یک شاخص اساسی مرز است. سیلاب‌های هریرود منجر به تخریب میله‌های مرزی در طول بخش‌های وسیعی از پل خاتون تا یازتپه شده است. این عمل منجر به هم خوردن خط مرزی و عدم ثبات و امنیت نوار مرزی شده است (Mahdavi, 2007: 96).
- به هم خوردن ثبات امنیتی و ژئوپلیتیکی چاه‌های گاز در مسیر دولت‌آباد به دلیل تغییر بستر رودخانه به سوی تأسیسات جاده‌های گاز، جان‌های مرزی در منطقه، این موضوع به خاطر پیشروی آب رودخانه به‌سوی چاه شماره ۷ در ناحیه دولت‌آباد ایجاد گردیده و جاده مرزی سرخس نیز در این قسمت آسیب‌های جدی دیده است. مشکلات و

تنگناهای ناشی از حقبه‌های مرزی که منجر به منازعات سیاسی امنیتی در مرز می‌شود. از جمله موضوع تقسیم آب هریرود در یاز تپه با مشابه آن در چهچه و زنگلانلو.

• مشکلات امنیتی مربوط به قاچاق مسلحانه مواد مخدر با درگیری‌های مرزی به خاطر به وجود آمدن استقرار گاه‌های اشرا با تشکیل گذرگاه‌های جدید مرزی در برخی از قسمت‌های هریرود مانند کلات مره‌ای (Safavi, 2009: 11).

۴.۲. چالش‌های هیدروپلیتیکی ایران و افغانستان

۴.۲.۱. تأثیر هیدروپلیتیک هریرود و هیرمند بر روابط دو کشور ایران و افغانستان

آشفتگی داخلی افغانستان با حمله شوروی و جنگ‌های داخلی، در این کشور مانع از کنترل دقیق افغان‌ها بر آب هیرمند شد؛ و وقوع جنگ تحمیلی ایران و عراق به این فراموشی دامن زد. در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ دش (۱۹۸۴-۱۹۸۶ م) وقوع خشک‌سالی و کاهش بارندگی در بخش علیای رودخانه باعث کاهش جریان آب هیرمند به سمت سیستان شد. از سوی دولت ایران نیز اعتراضاتی بر کاهش جریان آب هیرمند به ایران صورت گرفت که دولت افغانستان علت این مسئله را کاهش بارندگی عنوان کرد. آشفتگی اوضاع سیاسی دو کشور نیز مانع از توجه زیاد به این موضوع شد (Foroughi Nemat Elahi et al., 2013: 4). می‌توان گفت تا زمان روی کار آمدن طالبان در افغانستان نمی‌توان تنش چندانی در بین دو کشور بر سر هیرمند مشاهده نمود. در واقع این موضوع به علت اوضاع آشفتنه درونی هر دو کشور مسکوت باقی ماند یکی از بدترین دوره‌های تاریخی مناسبات افغانستان و ایران، دوره حکومت طالبان بر افغانستان بوده است، روابط دو کشور با روی کار آمدن طالبان در افغانستان به شدت رو به تیرگی نهاد. در این زمان، خشک‌سالی شدیدی در آسیای مرکزی، ایران، افغانستان و پاکستان رخ داد که چهار سال ادامه یافت خشک‌سالی در افغانستان موجب کاهش جریان آب هیرمند به سمت ایران و سپس قطع کامل آن از اواخر سال ۱۳۷۸ ه ش (۱۹۹۹ م) شد که زیان شدیدی به مردم ساکن حاشیه رودخانه در ایران و افغانستان وارد کرد. موضوع بهره‌برداری از رودخانه مرزی هریرود و احداث سد روی آن، دارای سابقه نسبتاً طولانی است. در مذاکرات و پروتکل‌های امضا شده بین دو کشور ایران و شوروی و پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، با ترکمنستان بارها بر آن تصریح شده است. در حالی که بین افغانستان و ایران توافق نامه‌ای درباره تقسیم آب هریرود وجود ندارد و این موضوع پرونده‌ای باز بین ایران و افغانستان است تا مشخص شود سرچشمه‌های تأمین آب این رودخانه چه نقاطی هستند. کدام نقاط افغانستان و ایران در ارتباط با این رودخانه بالادست و کجاها پایین دست هستند. در مورد این رودخانه یکسری بحث‌های فنی در کنار بحث‌های حقوقی و سیاسی وجود دارد؛ که دو کشور اکنون نیز در حال بحث و گفتگو در مورد آن هستند. هدفشان رسیدن به یک رژیم حقوقی مورد توافق بین دو طرف ایران و افغانستان است.

۴.۲.۲. استراتژی ایران در برابر احداث سد سلما توسط افغانستان

بر روی هریرود احداث سد سلما بر روی رودخانه فرامرزی هم بیرون در کشور افغانستان، پیامدهای منابع آبی، منطقه‌ای سیاسی، محیط زیست و در کل هیدروپلیتیک حوضه آبریز را به دنبال خواهد داشت کشور ایران برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر احداث سد سلما، چهار نوع استراتژی را پیشروی خود دارد استراتژی اول مبتنی بر تقویت روابط دیپلماتیک با کشور افغانستان برای تداوم جریان رودخانه هریرود به سمت سد دوستی است.

استراتژی دوم انتقال آب از دیگر منابع آب کشورهای همسایه همچون حوضه ابر بر آمودریا می‌باشد. استراتژی سوم متنی بر تأمین منابع آب مشهد از منابع آب داخل کشور و انتقال آب بین حومه‌ای در داخل کشور است و نهایتاً استان چهارم مبتنی بر کاهش وابستگی به منابع آب مزبور از طریق تغییر ساختار اقتصادی اجتماعی این شهر در وابستگی به منابع آب می‌باشد. در توضیح استراتژی چهارم باید در نظر داشت که از منابع آب دشت مشهد برای بخش کشاورزی با کمترین بهره‌وری اقتصادی منابع آب مصرفی و بقیه به بخش شرب و صنعت با بالاترین سطح بهره‌وری اقتصادی منابع آب مصرفی اختصاص یافته است لذا تغییر ساختار معیشتی به سمت افزایش بهره‌وری اقتصادی منابع آب با یک سقف تخصیص معین. بیشترین موفقیت در کاهش وابستگی به منابع آب مزبور و به تبع آن موفقیت در مذاکره با کشور افغانستان را به ارمان خواهد آورد. چرا که کاهش وابستگی به منابع آب رودخانه هریرود در داخل کشور. قدرت مذاکره کشور ایران با افغانستان برای استفاده از آب را افزایش خواهد داد.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌های کمی

تجزیه تحلیل کمی داده‌ها به چهار دسته مطالعات جمعیت‌شناسی (از نوع مقیاس رتبه‌ای و فاصله‌ای)، متغیر مهم‌ترین عوامل هیدروپلیتیکی تنش‌زا در روابط ایران و افغانستان تعداد ۱۳ گویه (متغیر از نوع مقیاس رتبه‌ای)، متغیر تبعات اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان تعداد ۶ گویه (متغیر از نوع مقیاس رتبه‌ای) است.

۱.۳. آمار توصیفی

آمار توصیفی به منظور شناخت مهم‌ترین عوامل هیدروپلیتیکی تنش‌زا در روابط ایران و افغانستان و در واقع عواملی که بیشترین نقش را در چالش‌های هیدروپلیتیکی دو کشور محسوب می‌شوند را در جدول ۳ تفکیک می‌نماییم.

جدول ۳. آمار توصیفی مهم‌ترین عوامل هیدروپلیتیکی تنش‌زا در روابط ایران و افغانستان

عوامل	گویه	خیلی کم	خیلی کم	کم	نظری ندارم	زیاد	زیاد خیلی زیاد	میانگین
آلودگی منابع آب رودخانه‌ها	وارد کردن زباله‌های صنعتی به آب هریرود	۰	۲	۱۱	۱۱	۱۸	۴	۳,۶۹
	وارد کردن زباله‌های خانگی به آب هریرود	۳	۹	۱۲	۱۲	۷	۴	۳
تغییر مسیر رودخانه‌ها	ریختن فاضلاب‌های صنعتی به آب هریرود	۰	۷	۱۱	۱۱	۱۵	۲	۳,۳۴
	وارد کردن مواد شیمیایی و بیمارستانی به آب هریرود	۰	۱۰	۱۳	۱۳	۹	۲	۳,۰۹
	تغییر مسیر رودخانه هریرود توسط افغانستان سبب خشک شدن دریاچه هامون شده است	۰	۱	۱۴	۱۴	۱۳	۷	۳,۷۴
	تغییر مسیر رودخانه هریرود توسط افغانستان، مشکلات کمبود منابع آب را در سیستان و بلوچستان ایران به همراه داشته است.	۰	۲	۱۵	۱۵	۱۹	۹	۴
تغییر مسیر رودخانه هریرود توسط افغانستان، تغییرات اقلیمی و افزایش پدیده ریزگردها را در سیستان و بلوچستان ایران به همراه داشته است.	تغییر مسیر رودخانه هریرود توسط افغانستان، تغییرات اقلیمی و افزایش پدیده ریزگردها را در سیستان و بلوچستان ایران به همراه داشته است.	۳	۵	۱۲	۱۲	۱۱	۴	۳,۲۳
	تغییر مسیر رودخانه هریرود بر فعالیت‌های صنعتی، انسانی و تولیدی استان سیستان و بلوچستان و کاهش اشتغال آنان تأثیرگذار بوده است.	۶	۷	۱۱	۱۱	۵	۶	۲,۹۴
دست‌درازی به آب رودخانه‌ها	احداث سد توسط افغانستان بر روی رود هریرود	۱	۳	۹	۹	۱۳	۹	۳,۷۴
	احداث سد توسط افغانستان بر روی رود هریرود	۰	۴	۱۰	۱۰	۱۲	۹	۳,۷۴
کنترل منابع آب بالادست	کنترل منابع آب بالا دست توسط دولت افغانستان بر سر راه هریرود به منظور احداث سد	۲	۶	۸	۸	۹	۹	۳,۵۰
	کنترل منابع آب بالا دست توسط دولت افغانستان بر سر راه هریرود به منظور احداث سد	۲	۳	۱۲	۱۲	۱۳	۵	۳,۴۶
ایجاد موانع در مسیر طبیعی عبور رودخانه هریرود توسط دولت افغانستان به منظور بهره‌برداری‌های کشاورزی و پرورش ماهی	ایجاد موانع در مسیر طبیعی عبور رودخانه هریرود توسط دولت افغانستان به منظور بهره‌برداری‌های کشاورزی و پرورش ماهی	۳	۵	۱۳	۱۳	۹	۵	۳,۲۳

Source: Research Findings, 2019

به منظور به دست آوردن تبعات اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان در ساختار توسعه نوین روابط بین الملل به ترتیب

گویه‌های زیر را لحاظ می‌نماییم:

جدول ۴. تبعات اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان بر علیه جمهوری اسلامی ایران در ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل

ردیف	گویه	خیلی کم	کم	نظری ندارم	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
۱	اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان، افزایش تنش‌های سیاسی بین ایران و این کشور را در پی خواهد داشت.	۲	۹	۸	۱۱	۵	۳,۲۳
۲	اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان، کاهش سطح روابط سیاسی دو کشور را در پی خواهد داشت.	۱	۶	۱۲	۱۱	۵	۳,۳۷
۳	اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان، کاهش سطح روابط اقتصادی میان دو کشور را در پی خواهد داشت.	۴	۸	۱۰	۹	۴	۳,۰۳
۴	اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان، عدم حمایت‌های سیاسی ایران از این کشور را در پی خواهد داشت.	۱	۶	۴	۱۴	۱۰	۳,۷۴
۵	اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان اقدامات مخربی را از سوی ایران بر علیه این کشور در پی خواهد داشت.	۷	۵	۱۴	۷	۲	۲,۷۷
۶	اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان کاهش صادرات کالا از ایران به این کشور را در پی خواهد داشت.	۰	۲	۲	۹	۲۲	۴,۴۶

Source: Research Findings, 2019

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی و پژوهشی

تأثیر هیدروپلیتیک بر سیاست خارجی افغانستان در پساتالبان را می‌توان این‌گونه تشریح کرد؛ که در روابط افغانستان و ایران که به دلایل نزدیکی تاریخی و فرهنگی و جغرافیایی نیازمند همکاری‌های گسترده‌ای هستند. عوامل مختلفی دخیل بوده که به نوبه خود دارای وجوه و ابعاد مختلف همگرایانه و واگرایانه می‌باشد. یکی از این عوامل رودخانه‌های مرزی هستند. برخی از مهم‌ترین نقاط حساس مرزی کشور به ویژه از بعد امنیتی در مناطقی جای دارند که به گونه‌ای با مسئله آب در ارتباط‌اند. یکی از این مرزها برای ایران مرز شرقی است که بهره‌برداری از آب‌های مرزی مشترک در آن جنبه هیدروپلیتیکی پیدا کرده است و این موضوع عملاً به یک اهرم سیاسی اقتصادی در دست دولت افغانستان تبدیل شده است. تا از آن در روابط سیاسی و موازنه قدرت با ایران استفاده کند. این ویژگی سبب شده که ایران در موقعیت فرودست و نابرابر قرار بگیرد. به گونه‌ای که تا قبل از انقلاب اسلامی هر جا روابط سیاسی دو کشور دوستانه بوده، کشور بالادستی (افغانستان) به قراردادهای منعقد در این باب عمل کرده و حتی افغانستان ۴ متر مکعب برثانیه به حقایق ایران اضافه کرده و هر جا که روابط سیاسی دوستانه نبوده و یا اوضاع دو کشور (چه بالادستی و چه پایین دستی) متشنج بوده، حقایق ما از هیرمند به درستی تحویل ایران داده نشده است. چنانچه در زمان حضور آمریکایی‌ها در افغانستان این کشور به دلیل برخورداری از حمایت یک دولت خارجی، در بحث رودخانه‌های هریرود و هیرمند مشکلاتی را برای ایران ایجاد نمود. با توجه به لحاظ کردن منافع ملی در دسترسی ایران به آب‌های افغانستان، نوع رابطه ایران با آمریکا و کمک‌هایی که این کشور در توسعه کشاورزی و سدسازی در افغانستان می‌نماید. این نتیجه را به دنبال دارد که روابط منطقی با قدرت‌های خارجی، استفاده عادلانه آب‌های خروجی افغانستان برای ایران به دنبال دارد؛ و بالعکس نوع رابطه بد باعث تقویت موضع افغانستان در برابر ایران می‌شود. این در حالی است که عمدتاً ایران از طریق هریرود و هیرمند به منابع آبی خارج از مرزهای خود و مشخصاً افغانستان وابسته است؛ و این امر نوعی چالش ژئوپلیتیکی برای ایران محسوب می‌شود. در قسمت دیگر تحقیق که به ارزیابی تحلیل کمی یافته‌های تحقیق پرداخته شد، نتایج نشان داد که در زمینه مهم‌ترین عوامل هیدروپلیتیکی تنش‌زا در روابط ایران و افغانستان، تغییر مسیر رودخانه هیرمند سبب تغییرات آب و هوایی استان سیستان و

بلوچستان گشته که این موضوع ریزگردها در این استان را شدیدتر کرده است و همچنین افزایش مشکلات و آلودگی‌های محیط زیستی را برای این استان در پی داشته است، در نگاهی دیگر تغییر مسیر رودخانه هیرمند توسط افغانستان سبب خشک شدن دریاچه هامون و نابودی حیات وحش و اکوسیستم گیاهی و جانوری این منطقه شده است و نیز تغییر مسیر رودخانه هیرمند بر فعالیت‌های صنعتی، انسانی و تولیدی استان سیستان و بلوچستان و کاهش اشتغال آنان تأثیرگذار بوده است که این مسئله افزایش مهاجرت‌ها را از استان سیستان و بلوچستان به سایر استان‌های ایران را به دنبال داشته است. در صورت کلی آنچه در این زمینه به عنوان نتیجه تحقیق حاصل می‌شود این مطلب است که تغییر مسیر رودخانه‌ها، آلودگی منابع آب رودخانه‌ها، دست‌درازی به آب رودخانه‌ها و کنترل منابع آب بالادست کشور افغانستان بر علیه جمهوری اسلامی ایران، از جمله مهم‌ترین عوامل هیدروپلیتیکی تنش‌زا در روابط ایران و افغانستان است. در قسمت دیگر نیز آنچه مسلم است این مسئله است که اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان در ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل، تبعات سیاسی و اقتصادی را در روابط دو کشور ایران و افغانستان به دنبال خواهد داشت.

در راستای کاهش اختلافات هیدروپلیتیکی میان دو کشور ایران و افغانستان می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

- با توجه به اینکه اختلافات افغانستان و ایران بر سر حقوق مربوط به آب هیرمند نقش پراهمیت‌تری در رابطه دو کشور داشته است؛ لذا غیرسیاسی کردن مسئله آب هیرمند در دو کشور نقش مهمی در حل و فصل این موضوع خواهد داشت؛ و باید از سوی مقامات ذی‌ربط دو کشور مورد توجه قرار گیرد. همچنین دو ملت افغانستان و ایران باید با این حقیقت آشنایی یابند که رود هیرمند پس از رسیدن به ارغنداب، به ویژه پس از بند کمال خان، حق انحصاری هیچ کدام از طرفین نیست. اینکه هر کدام از دو سرزمین سیستان در ایران و نیمروز افغانستان حقوقی به‌اندازه نیاز آبی و آبیاری خود دارند.
- طرح‌های مشترک برای سرمایه‌گذاری در زمینه ساختن سدهای مخزنی و مهارکننده در مکان‌های مناسب واقع در دو رودخانه بین‌المللی به اجرا درآید.
- در یک برنامه مشترک و با سرمایه مشترک، دیواره‌های بتونی درازای دو کرانه شاخه اصلی و شاخه‌های وابسته برای جلوگیری از هدر رفتن آب، ساخته شود.
- در صورت ناکامی در توزیع عادلانه منابع آب هریرود، جمهوری اسلامی ایران با همکاری ترکمنستان و با افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی بر علیه افغانستان، به دنبال توزیع عادلانه آب رود هریرود باشد.
- بهره‌گیری از رودخانه‌های هیرمند و هریرود، استفاده حقوقی و قانونی از رودخانه‌ای است مانند تمام رودخانه‌های بین‌المللی دیگر که بین دو یا چند کشور جاری است؛ بنابراین لازم است برای رفع اختلاف‌ها و جلوگیری از هر نوع گسترش دامنه تشنج‌ها و تنش‌های چندین ساله بین افغانستان و ایران، دو کشور ضمن محور قرار دادن معاهدات، از قواعد و رویه‌های حقوقی بین‌المللی که حق استفاده کشورها از منافع حاصل از آب رودخانه‌های مشترک را مورد تأکید و تصریح قرار داده‌اند؛ جهت اجرای معاهده یاری جویند.

References

- Ahmadian, Amir Naseri, Mehdi. 2013, Water Crisis in Central Asia: Emphasizing the Conflict of Countries in the Region on the Water Issue, Quarterly Journal of Central Eurasian Studies, Volume 6, Number 12. (in Persian)
- Smith, Anthony; Hadfield, Emilia. 2012, Foreign Policy, Theories, Actors and Study Cases, Translated by Amir Mohammad Haj Yousefi, Mohsen Mahmoudi and Ayub Karimi, Volume One, Tehran: Samat Publishing. (in Persian)
- Bye, Yar Mohammad. 2015, Hydropolitics of Border Rivers, Tehran, Abrar Contemporary. (in Persian)
- Braden, Kathleen, Shelley, Fred. 2005, Comprehensive Geopolitics, Tehran Publications: Islamic Revolutionary Guard Corps. (in Persian)
- Bozorgzadeh, Jesus. 1397, Water and Green Growth: Beyond Theory for a Sustainable Future, Farhang Saba Publications, First Edition. (in Persian)
- Enough corner, n. 1993, Water, Security and the Middle East, Translation: Pirooz Izadi, Tehran: Imam Hossein University Defense and Strategic Sciences Research Institute. (in Persian)
- Papli Yazdi, Mohammad Hossein and Vosoughi, Fatemeh. 2011, A Look at Iranian Water Diplomacy, Tehran, Papli Publications. (in Persian)
- Parsa, Behzad. 2012, A Comparative Study of Water Diplomacy on Iran's Relations with Eastern and Western Neighboring Countries (Hydropolitics of Border Rivers), M.Sc. Thesis, Faculty of Political Science, Department of International Relations, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. (in Persian)
- Noble University, Mr. Fahim, 2016, Water, Peace and Security for All Hydropolitics of Afghanistan Potential Factor for Peacebuilding, <https://afghanwaters.net/wp-content/uploads/2016-2017/Water-Peace-Security.pdf>(in Persian)
- Hafeznia, Mohammad Reza, Mojtahedzadeh, Pirooz, Alizadeh, Jafar. 1397, Hydropolitics of the Netherlands and its Impact on Political Relations between Iran and Afghanistan, Quarterly Journal of Political Geography, Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Hosseinpour Motlagh, Mehdi, 2010, Analysis of Hydropolitics in Northeastern Iran with Emphasis on Harirod River, National Conference on Geography, Tehran, University of Tehran, <https://www.civilica.com/Paper-IGSCUT>(in Persian)
- Heidarzadeh, Yar Mohammad. 2015, Five Water Fields in the Country, Afghanistan Information Network <http://afghanpaper.com/nbody.php?id=106470>(in Persian)
- Sadeghi, Seyed Shamsuddin. 2016, Hydropolitics and National Security (Case Study: Gulf Countries), Strategy Quarterly, Vol. 25, No. 81. (in Persian)
- Salehabadi, Reyhaneh, 2014, A Study of Hydropolitical Challenges of Water Resources in the Geopolitical Region of Central Asia, Foreign Policy Quarterly, Year 28, No. 2. (in Persian)
- Safavid, Seyed Yahya. 2009, Political Geography of the Islamic World; Empowering Factors for Achieving Unity, Sepehr Magazine, Ministry of Defense Geographical Organization, No. 72. (in Persian)
- Ezzati, Ezzatullah, Khezri, Mohammad Hassan, Nik Farjam, Mahboubbeh. 2011, An Analysis of the Hydropolitics of Eastern Iran, Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography, Volume 19, Number 13. (in Persian)
- Asgari, Mahmoud, (2002), "New Relationship between Water Resources - National Security", Strategic Studies, Tehran: Research Institute for Strategic Studies, No. 16 (in Persian)
- Ghavam, Abdul Ali. 2007, International Relations, Theories and Approaches, Second Edition, Tehran: Samat Publishing. (in Persian)
- Karimi, Bayram. 2012, Aras Border River Hydropolitics (Conflict or Cooperation), Master's Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Department of Political Geography, Ferdowsi University of

- Mashhad. (in Persian)
- Mojtahedzadeh, Pirooz. 1999, Helmand and Hamoon in the Hydro-Polytic Perspective of East Iran, Economic and Political Journal, No. 102. (in Persian)
- Mokhtari Hashi, Hossein. 1392, Hydropolitics of Iran; Geography of Water Crisis on the Horizon of 1404, Geopolitical Quarterly of 9, Fall 2013 No. 3. (in Persian)
- Mahdavi, Davood. 2007, Challenges and Perspectives of Effective Border Control (A Strategic Look at the Future of Borders in Iran), Police Human Development Monthly, No. 6. (in Persian)
- Mianabadi, Hojjat, 2012, Water, Security and Border Rivers, National Conference on Border and Security Cities, Challenges and Approaches, Volume 1, Number 14. (in Persian)
- Huget, Peter. 2000, New Combined Geography, translated by Shapoor Goodarzi Nejad, Tehran: Neshtemat. (in Persian)
- Yazdanpanah Drew, Kiomars, Ghamari, Atiqullah, Hataminejad, Hossein (1398), Strategic Analysis of Internal Factors Affecting Land Management in Afghanistan Based on Geopolitical Arguments. Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography, 12 (1), 798-824. (in Persian)
- Eskandari Thani, Mohammad, Sadat Kahaki, Fatemeh (1398), Feasibility study for the establishment of the Kashmir Special Economic Zone A solution for the development of industrial and business clusters in line with the sustainable development of the Tarshiz area. Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography, 11 (4), 448-436. (in Persian)
- Moradi Nia, Sajjad, Pishgahi Fard, Zahra, Yazdanpanah, Kiomars, Zarei, Bahador (1398), The Impact of Geopolitical Structure on the Relations between Russia and the United States and Their Competition in Southwest Asia. Scientific and Research Quarterly New Attitudes in Human Geography, 11 (2), 239-260. (in Persian)
- Eskandari Thani, Mohammad, Fallah, Mahboubeh (2009), Explaining the Necessity of Dynamic Resilience in Land Use Planning Approaches to Regional Flexibility (Sample Study: South Khorasan Province), Scientific and Research Quarterly New Attitudes in Human Geography, 11 (2), 71-82. (in Persian)
- Daryabari, Seyed Jamaluddin, Haroon Bahri, Siavash, Khanjanzadeh Kakroudi, Shaghayegh, Haji Mohammadloo, Mohammad, Pezeshki, Mehdi, Mahdi (1397) Geopolitical and geoeconomic. Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography, 10 (2), 151-174 (in Persian)
- Foroughi Nemat Elahi, Seyed Abbas, Hassani Bagheri, Mehdi, Sheikh Oveisi, Mahmoud (2013), Hydropolitical impact of Helmand border river on the national security of the Islamic Republic of Iran. Journal of Scientific and Research New Attitudes in Human Geography, 5 (3), 33-51. (in Persian)
- Jalali Nasab, Abdullah, Safavid, Seyyed Yahya, Ezzati, Ezatullah (2015), An analysis of China's role and position in Afghanistan and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran. Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography, 8 (1), 118-137. (in Persian).
- Larsen.Samuel T. L. 2009, "Lack of Freshwater Throughout the World". Evergreen State College. Retrieved 2009-02-01.
- Sawin, A, 2000, Water wars: fact or fiction?, Futures, <http://easterniran.com/fa/doc/report/835>
- <https://www.researchgate.net/figure/Hirmand-trans-boundary-river-basin>